

محمد با همه مهربان است با دشمن خشن و عصبانی برخورد می کند و با دوست مهر و عطف بسیار دارد. اما مامور امنیتی آمریکا دارای فراز و فرود بسیار است. خانواده مستحکمی ندارد. حتی دخترش او را به دلیل آن که تصور می کند پدرش در قتل مادرش مقصر است، ترك می کند.



مقایسه شخصیت محمد با جک باور

شما یل یک

سریال «گاندو» را اگر نتوان جزو بهترین ساخته های صدا و جاسوسی ساخته شده و تا قبل از این معمولاً آنچه ساخته معدود ساخته هایی که به چنین موضوع حساس، جذاب و چون در هر صورت با توجه به نظرسنجی های صورت گرفت دنبال کردند تا ببینند سرنوشت جاسوسی که تیم امنیتی با چنین محتوایی است که براساس واقعیت ساخته شده

داخلی و خارجی نیست. از جمله سریال هایی که با گاندو مقایسه می شود سریال شخصیت قرار بود با هوش، ذکاوت، توانایی، جسارت و... بتواند معماها، سدها و این روزها برخی از منتقدان و کارشناسان فیلم و سریال محمد گاندو را با «جک شخصیت جک باور سنگین تر کرده با این حال همچنان جای امیدواری وجود دارد و... به خود گیرد. در این گزارش تلاش کرده ایم به بررسی ویژگی این دو شخصیت تا چه حد این دو توانسته اند از نظر نوع شخصیتی به یکدیگر نزدیک باشند.

آزاده باقری
روزنامه نگار



این ماموران نابغه

محمد با هوش است. این را کسی نمی تواند منکر شود. در برخی از سکانس های این سریال با این موضوع مواجه می شویم که او اطلاعات بسیار بالایی در زمینه های گوناگون دارد و به چند زبان دنیا نیز مسلط است. در عین حال که گوش به فرمان است؛ اما خود نیز می تواند در مواقع بحرانی تصمیمات سریع و درستی بگیرد و فکر طرف مقابل خود را بخواند. مافوق او هوش محمد را همیشه مورد تقدیر قرار می دهد و برای همین به او اعتماد کامل دارد و می داند کاری که انجام می دهد درست است. حتی در برخی از قسمت ها دیده شده که مافوق محمد به او می گوید تو درست می گویی اما باید کار دیگری انجام داد.

جک باور به عنوان مامور ویژه در آمریکا نیز يك مامور با هوش و زرنگ است که به همین دلیل به همه بدبین است و تلاش می کند راه خود را با هوش و توانایی اش پیدا کند. بسیاری از اتفاقات را از قبل پیش بینی می کند. او با توانایی که دارد کشورش را از بسیاری اتفاقات مانند سوء قصد به جان رئیس جمهور، حملات هسته ای، بیولوژیکی و شیمیایی، حملات مجازی و خنثی کردن توطئه های شرکت های بزرگ، شناختن عوامل فساد در دولت و... نجات می دهد. حتی زمان هایی که پیکان اتهام به سمت اوست با ترفند های مختلف تلاش می کند خود را از اتهامی که به او وارد شده نجات دهد.

رابطه با خانواده

محمد مانند تمام مردم عادی دارای خانواده است. خانواده ای که آنطور که مخاطب ها متوجه شده اند نامزدی است که با او همکار بوده و در برخی قسمت ها او با همسرش به وسیله موتوری که دارد به بیرون می روند و شب محمد همسرش را به خانه پدرش می آورد و مادر پیری دارد که حدود هشت سال می شود همسرش را از دست داده و محمد با آن که پدرش را از دست داده و مادرش تنهاست، اما نمی تواند چندان بار تنهایی مادرش را به دوش بکشد و در اکثر مواقع که به خانه می رود مادرش خواب است. به نظر می رسد در سریال گاندو آن طور که باید به بخش خانواده این شخصیت پرداخته نشده و تنها در حد چند سکانس از آنها که نشان بدهد محمد دارای يك خانواده و زندگی معمولی است خلاصه می شود.

زندگی شخصی جک باور فراز و نشیب زیاد دارد. او از فصل اول مشخص می شود دارای همسر و يك دختر است که البته چندان با یکدیگر سر سازگاری نداشته و در نهایت در همان فصل اول می بینیم که همسر جک به دلیل اتفاقات و جریاناتی که به ماجراهای تروریستی و... ارتباط دارد توسط فردی که جک فکر می کرد قابل اعتماد است کشته می شود. دخترش نیز او را ترك می کند و اتفاقاتی برای او رخ می دهد که بخشی از هیجانات این سریال را هم به خود اختصاص داده است. در این سریال خانواده جک تا حدودی باور پذیر است و می توان درک کرد که زندگی يك مامور امنیتی تا چه حد می تواند پر فراز و نشیب باشد.

تهدید جانی

با آن که محمد در بیشتر عملیات حضور داشت و برخی از عملیات ها خطرناک به نظر می رسیدند و امکان لو رفتن آنها می رفت با این حال هیچ وقت به طور جدی مورد تهدید قرار نگرفت. حتی احتمال آسیب دیدن، گروگان گرفته شدن، زخمی شدن و... را هم نداشت. به نظر می رسد محمد در امنیت کامل می تواند کار خود را انجام دهد و عملیات را با موفقیت بگذراند.

جک باور ولی علاوه بر خانواده اش خودش نیز بارها و بارها مورد حملات گوناگون قرار گرفت. زخمی شد و آسیب دید. به طوری که يك بار هم در عملیاتی به مواد سمی آلوده می شود که با انجام جراحی به وسیله زن فرزندش درمان می شود. حتی يك بار هم تصورها بر این رفت که دیگر کشته شده است چون فصل با همین علامت سوال به پایان رسید در صورتی که در قسمت بعدی متوجه می شویم او گروگان گرفته شده است.

فشار روانی و مشکلات روحی



محمد به نظر مرد خوبی می رسد. با همه مهربان است، با دشمن خشن و عصبانی برخورد می کند و با دوست مهر و عطف بسیار دارد. زمان هایی که باید شوخی می کند و زمان هایی که باید عصبانیتش را به خوبی بروز می دهد. با خانواده و همسرش مهربان است و قبول دارد آن طور که باید در خدمت آنها نیست. کار برایش در اولویت است و برای همین بیشتر زمان خود را به کار کردن و کشف معماها می گذراند. در نهایت می توان گفت محمد يك شخصیت کاملاً مثبت است که از درون آن به جز آنکه بسیار با کارش درگیر است نمی توان ایراد دیگری گرفت.

مامور امنیتی آمریکا دارای فراز و فرود بسیار است. خانواده مستحکمی ندارد. حتی دخترش او را به دلیل آن که تصور می کند پدرش در قتل مادرش مقصر است، ترك می کند. در جریاناتی جک معتاد می شود و از مشکلات روحی و روانی و سردرگمی هایی که دارد رنج می برد. با وجود این تلاش می کند معماها را کشف کند و بهترین عملکرد را از خود نشان بدهد. در نهایت نمی توان جک را يك شخصیت کاملاً مثبت دانست. بلکه می توان او را شخصیتی تلقی کرد که دو قطب مثبت و منفی را با هم دارد.

محمد در بسیاری از تا چه حد کاری که انجام دارد و وقتی می بیند نابودی می کشاند حاضر است بابت این به طوری که دیگر مبحث و جدل می کند تنها در ظاهر این اتفاق می گفت باور داشت

جک هم به عنوان به مافوق های خود جز مافوق خود موافق